

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جولای ۲۰۱۹

خدوندا کسی را که شرف نداده ای، پس چه داده ای؟؟

چهارشنبه- ۱۲ سرطان ۱۳۹۸- کابل- امروز فرصت دست داد و به مصاحبه "نورالحق علمی" کاندید ریاست جمهوری در دولت دست نشانده گوش دادم، با تأسف محصول نیم ساعت گوش دادن به این مصاحبه، به جز ضیاع وقت، شنیدن یک مشت دروغ، نه تنها به چشم مردم خاک زدن بلکه به چشم شنونده درآمدن، و بر شعله های نفرت و انتقام از مزدوران روس افزودن، حاصل دیگری نداشت. از آن جایی که بحث در مورد تمام دروغ های این جنایتکار و قاتل خلق ما که صداقتش را به حزب نوکران روس و روس اشغالگر با تخریب دافع هوای ارگ حین کودتای اسارتبار ثور ۱۳۵۷ به اثبات رسانیده است، امریست که نه وقت آن را دارم و نه هم امکانات تکنیکی اجازه چنین کاری را می دهد، بناءً یکی دو موضوع را از جمع انتخاب نموده، برخورد به بقیه چرندیاتش را می گذارم به زمان دیگر:

در گذشته ها نیز نگاشته ام که وقتی کودتای خونبار و ویرانگر هفت ثور ۱۳۵۷ صورت گرفت، من تازه به مکتب داخل شده بودم، اگر بنویسم بیشترین دوران سالهای تحصیل همزمان بود با کودتا گران، مبالغه نکرده ام. در این مختصر نمی خواهم تمام سیستم تعلیمی حاکم در آن زمان را نقد نمایم زیرا متأسفانه باز هم نقدی خواهد شد همان مثنوی هفت من کاغذ. تنها چیزی را که از تمام دوران تحصیل به مثابه یکی از خطوط حاکم پالیسی تربیتی دولت نوکران روس در اینجا بالایش مکث می نمایم، تبلیغ روسپرستی آنروز و ادعای بیشرمانه امروز "علمی" مبنی بر استقلال و استقلال خواهی آنها می باشد.

نه تنها شاگردانی که با من هم دوره بودند حتماً به یاد دارند که در صنوف درسی به خصوص تا زمانی که سیلی خلق ما، خون از دماغ شان جاری نساخته بود، معلمان و سر معلم مکتب موظف بودند تا شاگردان را به دوستی شوروی پرورش دهند. اینکار تاجائی پیش رفته بود که به گفته کور گوی های کابلی، گوز اعضای حزب هم تاپه و بوی ودکای روسی می داد، بلکه تمام آنهایی که با معارف و کتب درسی سروکار داشتند، شاهد این ادعا می باشند.

به یاد دارم در صنف دهم، زمانی که در مضمون جغرافیه، موضوع تثبیت سرحدات افغانستان و مسأله پنجاه به میان آمد، در اول بیچاره معلم جرأت نمی کرد آن موضوع را تدریس نماید، مگر بعد تر زیر فشار شاگردان، هرچند از جانبازی "جنرال غوث الدین خان" لوگری و افرادی که جمعاً در دفاع از مرز های افغانستان کشته شدند و روسها با پای گذاشتن بر اجساد آنها، پنجاه را تصرف نمودند، یادآوری نمود، مگر خیلی سریع و بسیار هوشیارانه افزود که

تحقیقات "رفقای حزب دموکراتیک خلق افغانستان" در زمینه وقایع تاریخی را آنطوری که ما تا حال خوانده ایم بیان نمی کند.

شما هم سخنرانی معروف "ببرک کارمل" جاسوس و نوکر استعمار روس را در پل تخنیک حتماً شنیده و به خاطر دارید آنها که نشنیده اند می توانند در یوتیوب به آن گوش دهند که چگونه قلقله نموده، انسانیت، شرافت و افغانیت را عجین با عشق به شوروی خلاصه می نمود.

تمام مردم افغانستان به خصوص آنهایی که در ادارات دولتی، معارف و اردو کار می کردند، حتماً به خاطر دارند که چگونه تمام امور کشور را "رفقای مشاور" اداره می نمودند، از جمله خود "علمی" و طنفروش که هم والی ولایت قندهار بود و هم قومندان قول اردوی زون جنوب غرب، نمی تواند منکر شود که با تمام فرم و پلیت سرشانه و پاچه سرخش چگونه برای یک "تواریش..." مزدورمنشانه خود را خم و چم می نمود. حال این انسان بی آرم، دیده درا و وطنفروش که در کنار سایر رفقای یک بار وطن را به روسها قبالة شرعی داده است، باز هم به میدان آمده دم از استقلال و آزادی و غیر وابستگی می زند.

این جنایتکاران می دانند که مردم آنها را می شناسند و به حرف هایشان بازی نمی خورند، مگر این موضعگیری ها را به دو علت بیان می دارند، نخست آن که مورد پسند امریکا قرار گیرند و روی تجاوز امریکا را سفید نمایند، در ثانی دروغ های شان را درج تاریخ نمایند و امیدوار باشند که زمانی مردم افغانستان واقعیت ها را فراموش نموده، حرفهای آنها را سند قرار دهند.

مرگ بر خلق و پرچم بانی تمام جنایات در ۴ دهه اخیر!

مرگ بر امپریالیسم امریکا که با جنایاتش امکان حیات دوباره به روسها و نوکرانش را مساعد ساخت.

همکاری با نوکران روس، شرکت در جنایات آنهاست!